



اوضاع سیاسی - اجتماعی عصر امام حسن عسکری(ع)

اینکه سه پیشوای شیعه در سامراء و مرکز حکومت عباسی تحت نظارت سلطنت قرار می گیرند و در جوانی به شهادت می رسند، بیانگر شدت اختناق و فشار آن دوران است. اما فشارهای زمان امام عسکری(ع) بیشتر بود.

اینکه سه پیشوای شیعه در سامراء و مرکز حکومت عباسی تحت نظارت سلطنت قرار می گیرند و در جوانی به شهادت می رسند، بیانگر شدت اختناق و فشار آن دوران است. اما فشارهای زمان امام عسکری(ع) بیشتر بود.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه- محمد نصیری(استاد دانشگاه ادیان و مذاهب): امامت شش ساله سیزدهمین معصوم در عصر زمامداری معتز عباسی(۲۵۴-۲۵۵)، مهتدی(۲۵۵-۲۵۶) و معتمد عباسی (۲۵۶-۲۶۰) سپری شد. در کارنامه این سه خلیفه که مقامی تشریفاتی داشتند، نکته مثبتی به چشم نمی خورد و همه کارهای مهم به وسیله ترکان که گردانندگان اصلی حکومت بودند، انجام می شد.[۱]

هرچند مهتدی در مقایسه با دیگر خلفای عباسی، فردی معتدل بود و از نظر رفتار با عمر بن عبدالعزیز مقایسه می شود، ولی بسیاری از محققان تاریخ، ملاحظات سیاسی را انگیزه کردار وی دانسته اند. به زندان افکندن و تصمیم به قتل امام حسن عسکری(ع) گواه روشن این مطلب است.[۲] امام تا شبی که خلیفه کشته شد، در زندان به سر برد.

علل محدودیت های امام حسن عسکری(ع)

اینکه سه پیشوای شیعه در سامراء و مرکز حکومت عباسی تحت نظارت سلطنت قرار می گیرند و در جوانی به شهادت می رسند، بیانگر شدت اختناق و فشار آن دوران است. فشارها و محدودیتهای زمان امام عسکری(ع) به دو علت بیشتر بود:

1- در این زمان شیعه قدرت عظیم عراق شده بود و همه می دانستند این گروه حکومت هیچ یک از عباسیان را مشروع نمی دانستند و معتقد است امامت الهی در فرزندان علی(ع) باقی است و امام حسن عسکری(ع) نیز شخصیت ممتاز این خانواده بود. بدین سبب بیش از همه زیر نظر مأموران حکومت قرار داشت. [۳]

2- براساس روایات و اخبار متواتر، خاندان عباسی و پیروان آنان می دانستند مهدی موعود(عج) که همه حکومتهای خودکامه را از بین می برد، از نسل آن حضرت است. بدین سبب پیوسته مراقب حضرت بودند تا فرزندش را به چنگ آورند و نابود سازند. حکومت عباسی که از نفوذ و موقعیت مهم اجتماعی امام در نگرانی به سر می برد، حضرت را مجبور کرده بود هر هفته روزهای دوشنبه و پنج شنبه در دربار حاضر شود.[۴]

فعالیت های امام عسکری(ع) در جهت حفظ اسلام و مبارزه با اندیشه های انحرافی در ابعاد زیر قابل بررسی است:

1- کوشش های علمی؛ حضرت با آنکه بیشتر اوقات محبوس بود و در زمان اندک آزادی نیز در اختناق شدید به سر می برد با تربیت بیش از ۱۰۰ شاگرد[۵] که هر یک در نشر اسلام و رفع شبهات دشمنان نقشی مؤثر داشتند به حراست از مرزهای فرهنگی مسلمانان پرداخت. افزون بر این، امام با شیوه ای مناسب، اسحاق کندی فیلسوف را که درباره تناقضهای قرآن کتابی در دست تألیف داشت، به راه راست هدایت کرد.[۶]

2- ایجاد شبکه ارتباطی: امام(ع) از طریق تعیین نمایندگان و ارسال پیکها و پیامها با شیعیان مناطق مختلف ارتباط داشت.

3- فعالیت سیاسی پنهان: به نوشته مورخان امام عسکری(ع) دور از چشم جاسوسان فعالیتهای سیاسی انجام می داد و از سوی امام افرادی در شغلهایی که کسی به آنها مشکوک نشود، به ایجاد ارتباط با شیعیان شهرهای دور و نزدیک اقدام می کردند و درخواستها و وجوه شرعی را خدمت امام می رساندند و به مشکلات رسیدگی می کردند. فعالیتهای افرادی چون عثمان بن سعید عمری به عنوان روغن فروش مشهور است.

خدمتکار حضرت امام عسکری(ع) که برای منزل آن حضرت هیزم می آورد، می گوید: روزی امام مرا خواست، چوب مدور، بلند و کلفتی به من داد و فرمود: این چوب را به عثمان بن سعید بده. من چوب را گرفته و روانه شدم. در راه به سقایی برخوردم. مرکب او راهه را بر من بست. سقا از من خواست مرکبش را کنار بزنم. پس چوب را بلند کردم و به حیوان زدم، چوب شکست.

از محل شکستگی به آن نگریرستم، در داخل چوب، نامه هایی به چشم می خورد.[۷] این ماجرا به خوبی نشان می دهد که امام نوشته های سَری را از این طریق، آن هم به وسیله شخصی که هیچ کس به او مشکوک نمی شد، جا به جا می کرد.

3- حمایت مالی از شیعیان، به ویژه یاران خاص

4- تقویت و توجیه سیاسی و عناصر مهم شیعه: از آنجا که شخصیت‌های بزرگ شیعه در فشار و تهدید به سر می بردند، امام به تناسب مورد هر یک از آنان را به نحوی دلگرم و راهنمایی می کرد. حضرت با این کار روحیه آنان را تقویت می فرمود تا بتوانند مسئولیت اجتماعی، سیاسی و دینی را به خوبی انجام دهند. در این باره نامه امام به علی بن حسین بن بابویه قمی بسیار در خور توجه است. امام عسکری در جواب نامه این فقیه بزرگ نوشت: ... صبر کن و منتظر فرج باش که پیامبر فرمود: برترین اعمال امت من انتظار فرج است... ای بزرگمرد، مورد اعتماد و فقیه من، صبر کن و شیعیانم را به صبر فرمان ده. زمین از آن خدایت و هر کس از بندگان را که بخواهد، وارث می سازد؛ فرجام نیک تنها از آن پرهیزگاران است. سلام و رحمت خدا و برکات او بر تو و همه شیعیان باد.[۸]

5- استفاده گسترده از اخبار غیبی[۹]

6- آماده سازی شیعیان برای دوران غیبت؛ فرهنگسازی و آماده سازی افکار برای پذیرش غیبت حضرت مهدی(عج) در زمان امام عسکری(ع) جلوه بیشتری یافت. امام با تأکید بر تولد حضرت مهدی(عج) او را به شیعیان خاص و نزدیکان می نمایاند. از سوی دیگر تماس خود آن حضرت با شیعیان روز به روز کمتر می شد؛ به طوری که در شهر سامراء نیز به وسیله نمایندگان خویش به مراجعان و پرسشگران پاسخ می داد. بدین ترتیب آنان را برای تحمل اوضاع عصر غیبت و ارتباط غیرمستقیم با امام آماده می کرد. این روش با وسعتی بیشتر در دوران غیبت صغری به وسیله امام مهدی(ع) نیز به کار گرفته شد تا مردم برای دوران غیبت کبرا آماده شوند.

آغاز امامت ولی عصر(عج)

بعد از شهادت امام حسن عسکری(ع)، امامت به مهدی موعود(عج) رسید اما با توجه به فضای نامساعد جامعه و خطرهایی که از سوی دشمنان وجود داشت ایشان به غیبت رفتند یعنی از نظرها پنهان شدند. ابتدا غیبت صغری روی داد که حضرت به مدت ۶۰ سال با واسطه چهار نائب با مردم ارتباط داشتند و بعد از این دوران خبر غیبت کبری را به نائب آخر دادند و اکنون هزار سال از این دوران گذشته و منتظر ظهور آن حضرت هستیم.

انتظار، مهدویت و مهدی(عج) تنها یک باور اسلامی نیست که به وسیله آموزه های مذهبی در آشیانه افکار جای گیرد. این امر یک الهام فطری است؛ الهامی که در برابر دیدگان مردم روزگاری درخشان ترسیم می کند. در آن روزگار، همه رسالتهای آسمانی با همه ابعادش به اجرا در می آیند و انسانیت، پس از رنج های دراز و نگرانی های جانفرسا، مسیری مطمئن می یابد.[۱۰]

این شعور باطنی، که در افراد همه جوامع و ملل موجود است، از گسترده ترین و روشن ترین الهامات بستری شمرده می شود. وقتی این الهام فطری مورد تأیید دین قرار گیرد، رنگ ایمان می یابد و انسان را از توانایی و امید سرشار می سازد. اثر وجودی ایمان نه تنها انسان را در مقابل ناامنی ها و پریشانی ها و دردها آرامش می بخشد و نومیبدی و نگرانی درونی اش را به امید و اطمینان تبدیل می کند، بلکه نیروبخش است و با گشودن روزنه امید به دنیای عدل و داد آینده، حس مقاومت و جنبش را در افراد تقویت می کند.

اسلام مهدی(عج) را یک حقیقت فکری که بعدها باید در جهان یافت شود، نمی داند. در باور اسلامی، آن حضرت حقیقتی زنده و پایدار است که هر لحظه باید در انتظار انقلابش به سر برد. مهدی موعود انسان معینی است که در کنار ما زندگی می کند و همه دردها، غصه ها و ستمها را می بیند و می سوزد. ایشان خود نیز در انتظار است تا بتواند دستش را برای کمک به هر ستمدیده ای دراز کند و ریشه ستمگران را بر کند.

ایمان به امام غایب، ایمان به عدم پذیرش ستم و نوعی همگامی با اوست. سیر تاریخی مسأله غیبت، مهدویت از نظر فلسفه تاریخ، آثار و نتایج غیبت در بقای مکتب، تکامل عمومی در جهان هستی، لزوم مهدویت به عنوان آخرین امید و نیاز مبرم ستمدیدگان مجامع بشری و اسرار آن[۱۱]، مشخصات مهدی موعود و سوء استفاده هایی که تاکنون از این نام مقدس شده است و کیفیت حاکمیت امام در زمان غیبت کبری بخشی از عنوانهای مرتبط با امام دوازدهم است که بررسی آنها مجال بس وسیع می طلبد و از حوصله این مختصر بیرون است.

عصر غیبت از نظر تکوینی مقطع طولانی رشد و تکامل عقلانی انسان است و به لحاظ تشریعی، مرحله حصول آگاهی های لازم و شناخت تجربی عینی ریشه ها، نمودها، پایگاه ها و خاستگاه های زر و زور، مرز بندی های انسانی و ضد انسانی، نظامهای ارزشی، افول جاذبه های دروغین، احساس فقر مطلق معنوی، تجربه فلسفه های سیاسی و رژیمهای حکومتی و ایدئولوژی گوناگون انسانی، درک ضرورت رهبری معصوم، اندیشیدن به جامعه ایده آل و مدینه فاضله و کسب آمادگی های لازم برای قبول فطری، عملی و عقلی یک تحول بنیادی در عرصه رهبری عقیدتی و سیاسی جهان به شمار می آید. [۱۲]

[۱] ر.ک: الکامل فی التاریخ، ج ۷، ص ۱۹۵ - ۱۹۶.

[۲] بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۳۱۳

[۳] ر.ک: بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۲۵۱ والمناقب، ج ۴، ص ۴۳۴

[۴] ر.ک: بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۲۵۱ و المناقب، ج ۴، ص ۴۳۴

[۵] سیره پیشوایان، ص ۶۲۷

[۶] المناقب، ج ۴، ص ۴۲۴

[۷] همان، ص ۴۲۷

[۸] همان، ص ۴۲۵

[۹] ر.ک: کشف الغمة، ج ۳، ص ۲۰۷؛ الارشاد، ص ۳۴۰ والمناقب، ج ۴، ص ۴۳۶ - ۴۵۰

[۱۰] خداوند در قرآن کریم می فرماید: ما اراده کرده ایم، بر آنانکه در روی زمین به زبونی کشیده شده اند منت نهاده (و نعمت دهیم) و آنان را پیشوایان و وارث زمین گردانیم. (قصص/۵)

[۱۱] تاکنون کتب ارزنده و بسیار مفیدی در موضوعات فوق نوشته شده است به طوری که بسیاری از پرسشها را به خوبی پاسخ داده است. (ر.ک: کتابنامه حضرت مهدی(عج)، ج ۱ - ۲، علی اکبر مهدی پور). در این کتابنامه دو هزار عنوان کتاب مستقل به زبانهای مختلف معرفی شده است.

[۱۲] غیبت و مهدویت در تشیع امامیه از دیدگاه جاسم حسین و ساشا دینا، ترجمه محمودرضا افتخاری، ص ۵۱ به بعد